

رفتنش به جنگ مخالفت کنم. وی درباره نخستین سفر سید حکیم به عنوان مدافع حرم به سوریه بیان کرد: سید در کنار شهید ابو حامد یکی از بنیان‌گذاران لشکر فاطمیون بود و از همان اوایل، یعنی سه سال گذشته، به سوریه رفت. من و خانواده‌اش را آماده کرد؛ برای خیلی سخت بود، آرزوی هر دختر جوانی زندگی کردن است، اما صحبت‌های سید من را متقاعد کرد و رضایت من و خانواده‌اش را گرفت. ۷ دی سال ۹۲ برای نخستین بار اعزام شد، بار اولی که رفت

۴۰ روز در سوریه بود که از ناحیه کتف مجروح و به ایران منتقل شد و مدتی در بیمارستان بقیة الله تهران بود، سپس به مشهد منتقل شد؛ هنوز دوره درمانش تمام نشده بود که به سوریه بازگشت. خانم حسینی گفت: سید زیاد اهل خاطره تعریف کردن نبود و از خطرات و مسائلی از این دست صحبت نمی‌کرد؛ شاید به خاطر اینکه روحیه ما خراب نشود، حرفی نمی‌زد، اما همیشه می‌گفت فاطمیون روحیه بالایی دارند و خیلی عزیز هستند. وی با بیان این مطلب که سید در تاریخ ۱۶ خرداد ۹۵ در منطقه حوص تدمر به شهادت رسید، تصریح کرد: سید حکیم دوشنبه به شهادت رسید و پیکر ایشان پنجشنبه در مشهد بود و روز جمعه در مراسمی بسیار باشکوه تشییع شد.

#### آرزوی دیرینه‌اش شهادت بود

همسر شهید مدافع حرم خاطرنشان کرد: همیشه درباره شهادت حرف‌هایی با خنده و شوخی به من می‌زد که شاید آن زمان تصور جدی از حرف‌هایش نداشتم، اما حالا که فکر می‌کنم متوجه می‌شوم به نوعی حرف‌هایش وصیت بوده است؛ هیچ وقت مستقیم به من چیزی نمی‌گفت، همیشه با شوخی و خنده حرف می‌زد. اما آرزوی دیرینه‌اش شهادت بود و همیشه می‌گفت شهید نشویم می‌میریم؛ به دوستانش هم همیشه همین حرف را می‌زد و می‌گفت توفیق شهادت خیلی بالاست، پس کاری انجام دهید که هر دو دنیا را داشته باشید؛ چون اگر شهید نشوید، می‌میرید، پس چه بهتر که توفیق شهادت داشته باشید. بی‌نهایت شوق شهادت داشت. به جوان‌ترهای فامیل می‌گفت «آدم باید دعا کند که به شهادت برسد و به مرگ طبیعی نماند؛ چراکه مرگ حق است و گریزی از آن نیست، اما سعی کنید خودتان راه را مشخص کنید».

همسر شهید سید محمد حسینی (سید حکیم) درباره نحوه

شنیدن خبر شهادت همسرش گفت: من مثل همیشه بعد از نماز صبح به سراغ تلگرام رفتم و پیام‌های تلگرام را بررسی می‌کردم؛ در برخی گروه‌های اینترنتی، تصاویر و صوت‌های سید را دیدم که در آن اعلام کرده بودند، سید من به شهادت رسیده است. چشمم افتاد به این جمله که «سید حکیم واقعاً شهید شده؟» وقتی پیام‌ها را با دقت بررسی کردم متوجه شهادت سید حکیم شدم، واقعاً برای یک زن سخت است که از طریق فضای مجازی از شهادت همسرش مطلع شود، اما خوشحال بودم که به آرزوی دیرینه‌اش رسیده است. وی اظهار کرد: من ۱۵ سال با سید زندگی کردم و امروز تنها حسرتم این است که لیاقت نداشتم فرزندی از شهید حکیم داشته باشم، هر وقت می‌گفتم دعا کنید خداوند فرزندی به ما عنایت کند، می‌گفت راضی به رضای خداوند هستم، هر وقت بخواهد به ما عنایت می‌کند، من به زور از خدا چیزی نمی‌خواهم. فرزند از نعمت‌های پروردگار است، اگر صلاح بداند خودش به ما فرزندی می‌دهد. امروز تمام حسرت‌ها این است که کاش یک یادگاری از سید بزرگوارم داشتم.



#### مکان دفنش را پیش‌بینی کرده بود

حسینی خاطرنشان کرد: سید من در همان مکانی که آرزویش را داشت وصیت کرده بود، به خاک سپرده شد. یک روز با هم به مزار شهدا رفته بودیم، سید مکانی را با دست نشان داد و گفت اینجا جای من است و درست همان جایی آرام گرفت که قبلاً خودش گفته بود و می‌گفت خیالم راحت است که تنها نیستم و دوستانم از من جدا نمی‌شوند. ابو حامد، حجت، فاتح و... همه بنیان‌گذاران فاطمیون در یک قطعه به خاک سپرده شده‌اند و سید من نیز در کنار آن‌ها آرام گرفت. وی گفت: دوست دارم تمام دنیا را بدهم تا یک لحظه دوباره سیدم را ببینم، اما چون می‌دانم او به تنها آرزویش که همان شهادت بود، رسیده است، خوشحالم و سعی می‌کنم جای خالی‌اش را تحمل کنم. سید من دینش را به اعتقاداتش ادا کرد و حتماً الان به پابوسی ائمه (ع) رسیده است.

- منابع:
- آرشو هنر و رسانه فاطمیون
- خراسان ۲۴ خرداد ۱۳۹۵
- تسنیم ۲۴ خرداد ۱۳۹۵

سید حکیم و لبخندی که همیشه به لب داشت



شهید حسینی در کنار ضریح حضرت رقیه علیها سلام



سید حکیم در حال نقشه‌خوانی منطقه تدمر



آخرین تصویر